

ازمہ آباد تابایہ کانور

رحمان روی

CUC

سرشناسه: حلوی، رحمان، ۱۳۸۹-۱۳۰۰
عنوان: نام پدیدآورنده: از مهاباد تا بایکاتور / رحمان حلوی
مشخصات نشر: تهران: دید، ۱۳۹۸
مسخه: ات ظاهری: ۳.۴ ص. مصور (رنگی)
کتاب: ۴-۰۶-۵۱۹۵-۰۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: قیبا
موضوع: سیاسی، زمان ۱۳۰۰-۱۳۸۹، خاطرات
موضوع: زندانبانی - روسیه شوروی
موضوع: Forced labor - soviet union
موضوع: اردوگاه ها - ایران - روسیه شوروی
Concentration camp - soviet union
زندانیان سیاسی - روسیه شوروی
موضوع: Political prisoners - soviet union
رده بندی کنگره: ۱۸۸۸
رده بندی دیویی: ۰۵۵/
شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۵۳۵۹۳

نویسنده: رحمان حلوی
لیتوگرافی: هما گرافیک
چاپ و صحافی: فروغ دانش، سیمی ساز
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۴-۰۶-۵۱۹۵-۰۰-۶۰۰-۹۷۸
انتشارات: دید

انتشارات دید

نشانی: خیابان شریعتی نرسیده به پل سید خندان کوچه اشراقی پلاک ۱۵ واحد ۱۸

۷۱	پرواز به بادکوبه	۱۲	پیشگفتار استاد محمد صمدی
۷۶	دانشکده پزشکی بادکوبه	۱۵	پیشگفتار ۲، زاهد حلوی
۸۰	مراجعت به ایران	۱۹	پیشگفتار نویسنده
۸۵	آمدن محمدحسین خان سیف قاضی به بادکوبه	۲۰	زادگاهم
۸۷	حادثه ناگوار ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵ شمسی	۲۴	سیل سال ۱۳۱۵
۹۱	عودت به ایران	۲۷	افتتاح سیکل اول دبیرستان در مهاباد
۹۴	در خاک ایران	۳۱	تحصیل در دانشسرا
۹۷	اتخاذ یک تصمیم خطرناک	۳۴	مرگ مادر
۱۰۲	عبور از مرز	۶	قریه گلولان
۱۰۶	خرس در جنگل	۸	ورود قوای شوروی به منطقه
۱۰۹	شبه انکران	۳۹	آمدن حمه رشید خان
۱۱۱	سفر به مهاباد	۴۱	سقوط پادگان‌های نظامی
۱۱۶	زندانی مهاباد	۴۳	ناجر شدن من
۱۱۸	بازرسی در مهاباد	۴۶	استخدام در فرهنگ
۱۲۴	جاسوس در زندان	۴۹	کومله ترک
۱۲۷	کارتسیر	۵۳	مرگ پدر
۱۳۰	یمیلیانوف وزیر ام.گ.ب در مهاباد	۵۵	عزیمت به تهران
۱۳۲	حکم شورای دولتی	۵۸	استخدام و اشتغال در تهران
۱۳۷	ژنرال شکم گنده	۶۱	خانه فرهنگ شوروی (وکس)
۱۳۹	بازداشتگاه رستف	۶۵	اوضاع منطقه
۱۴۱	روشنایی در دل تاریکی	۶۷	شادی بعد از ناامیدی

۲۱۲	دانشکده پزشکی	۱۴۵	وداع با یک دوست و مشاور خوب
۲۱۴	وزارت فرهنگ	۱۴۸	اولین اردوگاه ساراجباری
۲۱۹	جریان دانشکده پزشکی تکرار می‌شود	۱۵۳	انواع کارهای اردوگاه
۲۲۵	سال ۱۳۳۶	۱۶۱	آنا
۲۲۸	نقل مکان	۱۶۳	اردوگاه بایکانور
۲۳۱	ازدواج	۱۶۷	دو زندانی کرد در اردوگاه بایکانور
۲۳۵	کار ویزیتوری	۱۶۹	مرگ کاک صادق
۲۳۷	آیت الله سنگلجی	۱۷۱	لاگری دیگر
۲۳۸	تابستان سال ۱۳۳۸	۱۷۳	محمد بی‌ریا وزیر فرهنگ
۲۴۱	حاجن سیاسی که پیش آمد	۱۷۶	کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی
۲۴۸	استخدام در بانک بازرگانی	۱۷۹	کف شناسی من
۲۵۰	از گشت به وزارت فرهنگ	۱۸۲	مرگ دیکتاتور بزرگ
۲۵۲	دور اجرای حقو	۱۸۴	آزادی من
۲۵۵	مسافرت سیراز	۱۸۶	دنیای آزادی تا شهر ولادیمیر
۲۵۷	یادی از آقای دکتر سیفی	۱۸۸	اردوگاه جدید
۲۵۹	فراغت بعد از تحصیل	۱۹۱	آشنایی با یک خانم فرانسوی
۲۶۲	مراجعه به کانون وکلا	۱۹۴	در مسکو
		۱۹۷	در راه بازگشت
		۲۰۰	ایران
۲۶۶	عکس‌ها	۲۰۸	دبیل‌م ادبی
۲۸۲	مدارک	۲۱۰	ترجمه یک کتاب

پیشگفتار

به ناه آنکه سس ناه ازو یافت

هانس کریستین آندرسن گفته است: "هیچ داستانی به پاکی و گیرایی داستانی نیست که جریان زندگی برای هر انسانی رقم می‌زند". بعضی از این داستان‌ها پر شادی‌اند و بعضی هم بسیار غم‌انگیز و برخی نیز حواس را بین این دو، اما مسالهی مهم این است که انسان در مقابل حوادث و پیشامدها، خرد را در راه راندن را گم نکند. بازگویی و بازنویسی صادقانه این داستان‌ها و سرگذشت‌ها، می‌تواند انسان‌های بسیار حیاتی و بنیادین برای افراد چیزفهم و کسانی که در این عمر کوتاه به دنبال بردن بهترین بهره‌های درست از زندگانی هستند، در بر داشته باشد.

کتاب "از مهاباد تا بایکانور"، اثر زنده یاد دکتر رحمان (۱۲۸۰-۱۳۸۹ خ / ۱۹۲۱-۲۰۱۰ م)، بی‌تردید یکی از این گونه اتوبیوگرافی‌های ارزشمند و خواندنی است. این نوشته، خواننده را طوری دنبال ماجراهای عبرت آموز خود می‌کشد، که به راحتی می‌تواند حتی برای لحظاتی آن را کنار بگذارد. حساس‌ترین قسمت‌های ماجرا در اردیبهشت سال کار اجباری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، این سرزمینی که سال‌های متمادی بدون هیچ گونه دلیل علمی و پشتوانه منطقی و تنها براساس تبلیغات واهی، کعبه آمال و آرزوی بسیاری از جوانان در سرزمین‌های شرقی و بالاخص در میان کردها شده بود، می‌گذرد. بین این نوشته و کتاب "در ماگادان کسی پیر نمی‌شود"، اثر زنده یاد دکتر عطاالله صفوی، شباهت‌های فراوانی دیده می‌شود و به راستی دل انسان از این همه ستم و زورگویی و نامردمی به درد می‌آید. انسان برای حفظ قدرت، آن هم قدرتی که بدون استثناء برای هیچ احدی جاودانه نبوده و نخواهد بود، تا چه مرزی می‌تواند به بدی بگراید و بی‌رحم و قسی‌القلب باشد؟

دکتر محمد علی اسلامی ندوشن، در کتاب "جام جهان بین" (نشر جامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۰، ص ۶۴)، چنین آورده است: "هنگام خواندن سرگذشت حسنک وزیر، بار دیگر به یاد می آوریم که آدمیان در خفاهاش ها و هواهای خود چه دیر تغییر می پذیرد و چگونه امروز نیز، چون نهصد سال پیش، آماهی نایکاری ها و سنگدلی ها بر بسیاری از فیروزمندان زمانه حکمرواست، با این تفاوت که پیش بیان در هنر آزریدن و تباه کردن به اندازه مردم-متمدن-امروزی بی باک و چیره دست نبوده اند، شاید برای آن که منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضا نکرده بودند"

همان گونه که مولف این اثر، در مقدمه نوشته پانزدهم آورده است، در سال های پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کم ترین اعتراضی از موضع سیاسی آن جا، کفر محض بود و اعتراض کننده با شدیدترین پاسخ ها و برخوردها روبرو می شد که سال ها از عمر خود را بدون دادگاهی در اردوگاه های کار اجباری بگذرانده اند. توبه بر این مجازات های غیر انسانی و غیر قابل تحمل، در دنیای خارج از شوروی هم مورد شایسته ملامت چپ گرایان و روشن فکران قرار می گرفت و خیلی به سادگی، به نوکری امپریالیسم جهانی به هم می گردید! در سال ۱۹۷۳ میلادی کتاب "مجمع الجزایر گولاگ"، اثر الکساندر سولژنیتسین، نویسنده روسی برنده جایزه نوبل، درباره سرکوبگری های رژیم شوروی سابق و جنایات استالین در فاصله سال های ۱۹۱۸ تا ۱۹۵۶ منتشر شد. این نویسنده به خاطر این نوشته، بیست سال از عمر خود را در تبعید سپری کرد. البته گفته می شود که در سال های بعد از فروپاشی شوروی سابق، این کتاب، جزو کتاب های درسی شده است. هر چه را که درباره آن روزگار به صورت رمان و داستان نوشته اند، در نوشته زنده یاد دکتر رحمان حلوی به صورت واقعی و عینی و ملموس آمده است.